

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

ریشه بیمه در روایات

صرف نظر از این که به نظر ما حقیقت بیمه ریشه قرآنی دارد، در روایات نیز به این مسئله اشاره شده است. در حال حاضر بیمه برای اشخاصی مانند زنان بی سرپرست وجود دارد. از وجود مبارک پیامبر اسلام صلوات الله علیه و آله نقل شده است که «السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمِسْكِينِ، كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» در ادامه این تعبیر نیز ذکر شده است «وَالْقَائِمُ الَّذِي لَا يَقْتَرُ، وَكَالصَّائِمِ الَّذِي لَا يُفْطِرُ». هر کسی به زنان بی سرپرست از جهت مالی و غیر آن توجه کند مانند مجاهد در راه خداوند یا مانند کسی است که روز را روزه می گیرد و شبها نماز می گذارد.^[1]

در روایتی دیگر چنین نقل شده است که «وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ»^[2] هر کسی که به دنبال حل مشکلات برادر دینی خود از جهت مالی و غیر آن باشد خداوند متعال نیز او را در مشکلات کمک می کند.

امیرالمومنین علیه السلام در نامه 53 خطاب به مالک اشتر می فرماید: «ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزُّمْنِ فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًّا، وَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ، وَقِسْمًا مِنْ غَلَاتِ صَوَافِي الْأَسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى» برای انسان هایی که در جامعه دستشان کوتاه است و به جایی نمی رسد مانند افرادی که فقر شدید دارند یا از کار افتاده اند و نمی توانند کار کنند قسمتی از بیت المال و یا حتی قسمتی از غنیمتی که در جنگ ها گرفته می شود را قرار بده. در ادامه می فرماید: آن کسی که از مرکز حکومت و حاکم اسلامی دور است با کسی که نزدیک تر است نباید از حیث انتفاع متفاوت باشد. تعبیر «وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا» به نظر ما دلالت بر حقیقت بیمه دارد که به انسان گرفتار باید مبلغی پرداخت شود.

در تعبیری دیگر از امیرالمومنین علیه السلام چنین وارد شده است که «مَرَّ شَيْخٌ مَكْفُوفٌ كَبِيرٌ يَسْأَلُ . فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ : مَا هَذَا؟ فَقَالُوا : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! نَصْرَانِي . فَقَالَ : اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبُرَ وَ عَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ ، أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ.» پیرمردی نابینا بود که از مردم درخواست پول می کرد. حضرت فرمودند: این شخص کیست؟ عرض کردند وی نصرانی است. حضرت فرمودند: زمانی که این شخص جوان بود از وی کار کشیدید حالا که به پیری رسیده وی را رها کرده اید؟! باید از بیت المال به او مبلغی پرداخت شود.^[3]

اشکال و جواب مربوط به روایات

به نظر بعضی بزرگان این روایات ارتباط به بحث بیمه نداشته و مربوط به کمک هایی است که دولت به ضعفاء می کند. ایشان در ادامه می فرماید: بیمه عقد و التزامی دو طرفه است و در این موارد چنین التزامی وجود ندارد.^[4]

در پاسخ می‌توان گفت به نظر ما در تمامی اقسام بیمه التزام و عقد طرفینی وجود ندارد که در بحث تعریف اصطلاحی بیمه به آن خواهیم پرداخت؛ در نتیجه این‌که بیمه منحصر در عقد بین دو طرف باشد صحیح نیست. به نظر ما التزام از یک طرف مانند فرموده امیرالمومنین علیه السلام که از طرف دولت است نیز نوعی از اقسام بیمه بوده و دولت باید التزام به پرداخت آن داشته باشد نه مانند صدقه‌هایی که مردم عادی به دلخواه خود پرداخت می‌کنند.

به بیان دیگر به نظر ما در برخی موارد که تحت عنوان «لایبطل حق امرء مسلم» قرار می‌گیرد مانند «لایبطل دم امرء مسلم» باید حقوق فرد مسلمان از بیت المال پرداخت شود. در جامعه امروز افرادی به جهت بدهی‌هایی که به هیچ وجه قادر به پرداخت آن نیستند به زندان افتاده‌اند و چه بسا تا آخر عمر قادر به پرداخت آن بدهی نباشند. یا زنان بی سرپرستی که در جامعه وجود دارند و قادر به تأمین مالی خود نیستند. در این موارد وظیفه حکومت است که از طریق بیت المال حقوقی برای آن‌ها در نظر بگیرد تا این افراد بتوانند به زندگی خود رسیدگی نمایند. البته پرداخت این مبلغ باید به گونه‌ای باشد که زمینه کلاهبرداری و سوء استفاده برای افراد ایجاد نشود. به نظر ما صرف نظر از روایات محل بحث نیز حکومت وظیفه دارد این افراد تحت پوشش خود قرار دهد چه رسد به این‌که در روایت تعبیر «انفقوا» وارد شده است و ظهور در امر ارشادی ندارد، بلکه حکمی شرعی را بیان می‌کند. البته التزام از یک طرف است که به نظر ما می‌تواند مصداقی از بیمه قرار گیرد.

سیر بحثی که به آن خواهیم پرداخت در سه مطلب بیان می‌شود: الف- تعریف بیمه از لحاظ لغوی و اصطلاحی ب- بررسی ماهیت بیمه از لحاظ عقد یا ایقاع بودن ج- صرف نظر از عقد یا ایقاع بودن آیا تحت یکی از عناوین معاملات رایج مانند هبه، صلح یا ضمان قرار می‌گیرد یا خیر؟!

مطلب اول: معنای لغوی و اصطلاحی بیمه

در معنای لغوی بیمه در کتاب لسان العرب به این مطالب اشاره شده است: «مصدرٌ أَمِنَ يَوْمَن تَأْمِيناً أصله من أَمِنَ بكسر الميم أَمناً أماناً أمانة و أمانة يطمئن.» کسی که به اطمینان برسد و نترسد یا خوفی نداشته باشد. «فهو أَمِن. أَمِنَ البلد» یعنی اهل شهر اطمینان پیدا کردند. «أَمِنَ عليه» که با «علی» متعدی شود به معنا وثوق و اطمینان است. در آیه «قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَالَلَهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^[5] نیز که مربوط به قضیه حضرت یوسف می‌باشد، به این مسئله اشاره شده است. در هر صورت این ماده از نظر لغت به معنای اطمینان بر امری است.

از آنجا که تأمین مفهومی شرعی ندارد و از عقود مستحدث است برای فهمیدن معنای آن باید به سراغ عقلاء برویم. از لحاظ اصطلاحی دو تعریف عمده را می‌توان مطرح نمود:

تعریف اول: عبدالرزاق سنهوری در کتاب الوسیط که شرح قانون مدنی مصر است^[6] می‌گوید: «التأمين عقد يتلزم المؤمن بمقتضاه ان يؤدي الى المؤمن له أو الى المستفيد الذي اشترط التأمين لصالحه مبلغاً من المال او ايراداً مرتباً او أى عوض ما آخر فى حالة وقوع الحادث أو تحقق الخطر المبين بالعقد و ذلك فى نظير قسط أو أية دفعة مالية أخرى يؤديها المؤمن له للمؤمن.»^[7] یعنی بیمه گر که یک طرف عقد است ملتزم می‌شود به مقتضای عقد به مؤمن له یا به مستفیدی که تأمین برای مصلحت او منعقد می‌شود مبلغی را پرداخت کند؛ مانند این‌که شخصی با شرکت بیمه عقد منعقد می‌کند که به ورثه‌اش بعد از فوت او مقداری پول داده شود. به بیان دیگر در عقد تأمین گاهی اوقات مستفید شخص مؤمن له و گاهی شخصی دیگر است. در مقابل پرداخت مبلغ، مؤمن له نیز مبلغی را به صورت دفعی یا تدریجی و قسطی و یا به صورت جنسی ارزشمند مانند منزل به مؤمن پرداخت می‌کند. التزام مؤمن نیز زمانی است که حادثه‌ای پیش آید و تمام این‌ها باید در متن عقد ذکر شده باشد.

با توجه به این تعریف بیمه از یک سو عقد است یعنی در آن التزام طرفین - مؤمن و مؤمن له - وجود دارد. از طرف دیگر در آن

عوضین - مبلغ حق التأمین که مؤمن پرداخت می‌کند و عوضی که مؤمن له در قبال آن می‌دهد - نیز موجود است.

تعریف دوم: تعریفی که مرحوم امام در متن تحریر ذکر نموده‌است و مطابق با دیدگاه مرحوم خوئی و مرحوم حاج شیخ حسین حلی نیز می‌باشد پیش از این ذکر شد. در این تعریف تأمین، عقدی است که میان مؤمن و مستأمن که همان مؤمن له است منعقد می‌شود و مؤمن ملتزم می‌شود در قبال گرفتن مبلغی اگر خسارتی بر مستأمن وارد شد آن را جبران نماید.

تفاوت اساسی میان این دو تعریف «أو الی المستفید الذی اشترط التأمین لصالحه» می‌باشد که در حال حاضر از آن به بیمه عمر تعبیر می‌شود و در تعریف دوم ذکر نشده‌است. اما نقطه اشتراک دو تعریف در این است که هر دو تعریف تأمین را عقد می‌دانند یعنی «التزام فی قبال الالتزام» است.

بررسی اشکال موجود در تأمین از حیث عوضین

روشن شد که اگر بیمه عقد باشد دو طرف یعنی مؤمن و مؤمن له در آن وجود دارد. اما از حیث عوضین شاید این اشکال مطرح شود که هر چند عوض پرداخت شده توسط مؤمن له مشخص است که به صورت دفعی یا ماهیانه پرداخت می‌شود، اما عوض در طرف دیگر مشخص نیست چرا که ممکن است آن چه مبلغ در قبال آن پرداخت شده‌است مانند آتش سوزی، غرق، تلف و مانند آن هیچگاه واقع نشود.

یک احتمال طبق تعریف اول این است که بگوئیم عوض، همان تدارک در زمان تلف است. برخی دیگر می‌فرمایند: پرداخت حق بیمه در مقابل تدارک خارجی نیست بلکه در مقابل تعهد به تدارک است و تعهد مذکور در حال عقد بالفعل موجود می‌باشد. ایشان در ادامه می‌فرمایند اگر به این مطلب ملتزم نشویم عقد در هنگام عدم حدوث حادث باطل خواهد شد چون وقتی تلف محقق نشود عوضی وجود ندارد و در نتیجه موضوع از بین رفته و عقد باید باطل باشد حال آنکه هیچ کس عقد بیمه را عقدی تعلیقی نمی‌داند و نمی‌گوید اگر خسارت محقق شد عقد منعقد یا منجز است، اما اگر خسارت محقق نشد کشف می‌شود که عقد باطل بوده‌است بلکه می‌گویند بیمه عقدی منجز، تام و غیر معلق می‌باشد.^[8]

نسبت به این ادعا می‌توان دو اشکال را مطرح نمود:

اشکال اول: نقضی که به مطلب مذکور وارد می‌شود در بیمه عمر است که در آن پول خارجی که تدارک می‌شود عوض قرار می‌گیرد نه تعهد ذکر شده در متن عقد بیمه.

اشکال دوم: اگر تعهد را به عنوان عوض قرار دهیم ممکن است مؤمن در هنگام وقوع عقد تعهد را بدهد اما در هنگام پرداخت خسارت می‌گوید هر چند من تعهد دادم اما در حال حاضر به آن عمل نکرده و خسارت را پرداخت نمی‌کنم.

شاید گفته شود چون تعهد موجب اطمینان برای مؤمن له می‌شود پس نزد عقلاء مالیت دارد در نتیجه می‌تواند به عنوان عوض واقع شود. به نظر ما این ادعا صناعی نبوده و به صورت کلی به نظر ما این که تعهد را به عنوان عوض در عقد بیمه قرار دهیم نزد عقلاء امری بعید است. به نظر ما متعلق تعهد به عنوان عوض قرار می‌گیرد البته اداء آن تعلیقی است به این صورت که هر چند در خود عقد تعلیق وجود ندارد چون در آن تعهد فعلی وجود دارد اما متعلق تدارک در زمان خسارت است پس می‌تواند به عنوان عوض قرار بگیرد و لزومی ندارد که اگر خسارت واقع نشد بگوئیم عقد بدون عوض واقع شده‌است.

[1]. صحيح بخارى حديث شماره 6006.

[2]. صحيح ابن حبان، حديث 534.

[3]. وسائل الشيعة ، ج15 ، ص66 .

[4]. «موضوع التأمين: سواء أقلنا بأن التأمين عقد من العقود أو أنه داخل في الهبة المعوضة أو من مقولة الصلح والضمان فليس ما جاء في عهد الإمام علي عليه السلام إلى واليه مالك الأستر، من عقد التأمين بل هو مساعدة من الدولة إلى الضعفاء. وذلك لأن التأمين عقد بين المؤمن والمستأمن على اتفاق مالي بينهما، فالمؤمن يتحمل الخسارة في مقابل الرواتب التي يدفعها المؤمن له، إليه وهذا القيد ليس موجوداً في الموردين المذكورين. فقد جاء في هذا العهد قوله عليه السلام: «وَأَجْعَلْ لَهُمْ قِسْماً مِنْ بَيْتِ مَالِكَ». ومثله ما روي عنه عليه السلام أنه مرّ عليه شيخ مكفوف كبير، يسأل، فقال أمير المؤمنين عليه السلام: ما هذا؟ قالوا: يا أمير المؤمنين نصراني، فقال أمير المؤمنين عليه السلام: «استعملتموه حتى إذا كبر وعجز منعتموه، أنفقوا عليه من بيت المال». الشركة و التأمين فى الشريعة الغراء، ص 227.

[5]. يوسف، 64.

[6]. برخى مجلدات اين كتاب بالغ بر هزار صفحه است و ساير كشورها مانند عراق، سوريه و كويت قانون خود طبق آن نوشته‌اند. وى زمانى كه با كتاب مكاسب مرحوم شيخ انصارى مواجه شد گفت كاش قبل از اين كه كتاب الوسيط را بنويسم با اين كتاب مواجه مى‌شدم.

[7]. الوسيط فى شرح القانون المدنى الجديد، ج7، بخش دوم، ص 1084.

[8]. «ومن المعلوم أنّ ما يدفعه المستأمن إنّما يكون في مقابل التعهّد من قبل المؤمن بتدارك الخسارة ، لا في مقابل التدارك ؛ وإلاّ لزم أن يكون العقد باطلاً عند عدم حدوث الحوادث وانتفاء موضوع التدارك ، مع أنّ عقد التأمين عندهم لا يكون باطلاً في هذه الصورة ، فلا تغفل .» فقه اهل بيت عليهم السلام – عربى نويسنده : مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامى جلد : 17 صفحه : 42.